

نفوذ ایران بر افغانستان

غالبا گفته می شود که بدون کمک ایران افغانستان به ثبات نخواهد رسید. اما در واقعیت تهران بیش از همه به بی ثباتی در افغانستان یاری می رساند



Die Zeit.de

برگردان ناهید جعفرپور

در واقع این خود یک همکاری مشترک عجیب و غریب است که در افغانستان خود را بروز می دهد: بطور گسترده بدون اینکه افکار عمومی متوجه شود رژیم ایران طالبان و دیگر شورشگران در افغانستان را پشتیبانی می نماید. این وضعیت از این بابت عجیب و غریب است که در اینجا دو دشمن جدی قدیمی به شدت به یکدیگر نزدیک می شوند. در واقع شیعه های طالبان ایرانی ها را بعنوان بی دینان معرفی می کنند و ایران هم در سال های نود رژیم طالبان در افغانستان را برسمیت نشناخت. در این فاصله اما آنطور که مشاهده می شود زمان تغییر کرده است و دشمنی های اسبق در جنگ سرد شامل این ضرب المثل گشت که "دشمن دشمن من دوست من است".

اواخر ماه مه ایساف استانلی مک کریستال فرمانده آنزمانی اخطار نمود که: "شورشگران افغانی در ایران تعلیم می بینند و مسلح می شوند".

این اتحاد جدید از این روی عجیب است که همزمان دولت ایران از این خسته نمی شود که آمادگی خویش را برای همکاری به دولت حامد کارزای اعلام نماید. آنطور که پیداست پشت پرده ایران روی استراتژی عکس این همکاری مشترک کار می کند.

بله نه تنها طالبان از سوی ایران پشتیبانی می گردد همچنین ایران تلاش می کند که بر اقلیت شیعه در افغانستان نفوذ داشته باشد.

برای این ادعا دلائل بسیاری وجود دارد: جمهوری اسلامی برای این منظور یک مرکز تئولوژی اسلامی در کابل بنا نموده است. در این مرکز بر عکس حوزه علمیه قم تنها

اسلام رادیکال تدریس می گردد. همزمان کتاب های تبلیغاتی به نفع مستبدین ایرانی در پایتخت افغانستان پخش می گردد - به قیمت 1 یا دو دلار - .

برخی از نظاره گران همچنین قانون ضد زنی را که حامد کارزای قبل از انتخابات قصد داشت لغو کند را اجرا نمودند تا بدین وسیله اقلیت شیعه را بسوی خود جلب نموده و زیر نفوذ ایران برگردانند.

تهران تلاش می کند تا از نارضایتی های بزرگ شیعه های افغانستان که خود را از سیاست کشور دور می بینند و در محدودیت احساس می کنند - که در حال حاضر این شیعیان میان 10 تا 20 درصد مردم افغانستان را تشکیل می دهند - استفاده نماید.

رژیم ایران همچنین در مسائل دیگری در افغانستان دخالت دارد و آنها را برای مقاصد ثبات انگیز. یکی از این دخالت ها کشت تریاک در افغانستان است. رسماً ایران اعلام نموده که با مواد مخدر مبارزه می کند و برای مبارزه با آن به افغانستان یاری می نماید و جلوی ورود آن را از افغانستان به ایران می گیرد. همزمان بخشی از گارد انقلاب در تجارت مواد مخدر در ایران نقش دارند و مواد مخدر در ایران ارزان تر از یک بسته آدامس است.

از سوی دیگر ایران از این مسئله استفاده ابزاری می کند که در حدود دو و نیم میلیون پناهنده افغانی در ایران زندگی می نمایند. در حالیکه آنها در یک وضعیت بسیار بد قرار دارند. بچه های آنها راه رفتن به مدرسه نداشته و بزرگسالان از حق گرفتن مدارک ضروری برخوردار نمی شوند. اینکه افغانی ها و ایرانی ها ریشه فرهنگی و تاریخی مشترک دارند، دولت احمدی نژاد را با آن کاری نیست. برای این دولت پناهندگان افغانی تنها یک گروه است تا بدان وسیله غربی ها را مجبور به رسیدن به توافقات نمایند. نه رژیم ایران خواهان بهبود شرایط زندگی این پناهندگان است و نه جوامع ملل متحد و جامعه بین الملل قصد دارد به رنج و بدبختی این انسانها پایانی دهد.

البته از سوی افغانی ها تلاش هائی شده است تا در مقابل نفوذ ایرانی ها حرکتی نمایند. مسئله ای که باعث این تلاش ها شد اعدام بیشمار افغانی در ایران بود. رئیس جمهور حامد کارزای خواهان لغو اعدام های بعدی شده است. اما مهم تر از همه این است که تعداد زیادی افغانی روزها در مقابل سفارت ایران در کابل به اعتراض پرداخته اند. آنها فریاد می زدند " مرگ بر سیستم فاشیستی" و عروسک های پوشالی شکل احمدی نژاد و رهبر انقلاب ایران خامنه ای را به آتش کشاندند. همچنین جنبش آزادیخواهانه ایران هم در این مسئله دخالت نموده و در برخی از تظاهرات ها شعار داده شد " شما ها به طالبان ها تعلق دارید".